سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۹۱ ■ شنبه ■ ۱۰ دی ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۷ | اذان مغرب ۱۷/۲۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ | اذان صبح فردا ۵/۴۴ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۴

سخن روز

حضرت محمد(ص):
محبوب‌ترین شما در نزد خدا، خوش اخلاق‌ترین شماست.
مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۷

جای حرف هنرمند در فضای مجازی نیست

حامد شیخی: معتقدم در شأن هنرمندان ما نیست که حرف دلشان را در فضای مجازی بزنند چون این کار را همه می‌توانند انجام دهند. بچه‌های تئاتری ثروتی به نام صحنه تئاتر دارند که در آنجا می‌توانند حرفشان را بزنند در حالی که اگر صحنه تئاتر را خالی کنند برای همیشه این امکان را از دست می‌دهند. ما می‌توانیم انتقاد و حرف دلمان را حالا می‌خواهد مربوط به هر طیف فکری که باشد به شکلی هنرمندانه و حتی در لفافه به تصویر بکشیم تا اینکه بخواهیم مثلاً در فضای اینستاگرام حرفمان را بزنیم. ما می‌توانیم از تجربیات گذشته در خدمت اتفاقات امروز استفاده کنیم و تاریخ را برای مخاطبان‌مان زنده کنیم.

از صحبت‌های کارگردان نمایش «بهرام به روایت هفت پیکر» با مهر

زندگی خیلی چیزها یادمان می‌دهد و ما مقصریم که یاد نمی‌گیریم و بارها و بارها در همان تله شیرین گرفتار می‌آییم...!

اینس/ کارلوس فوئنتس

نـــگاره
کیان رادپویان

پذیرایی از میهمان ناخوانده

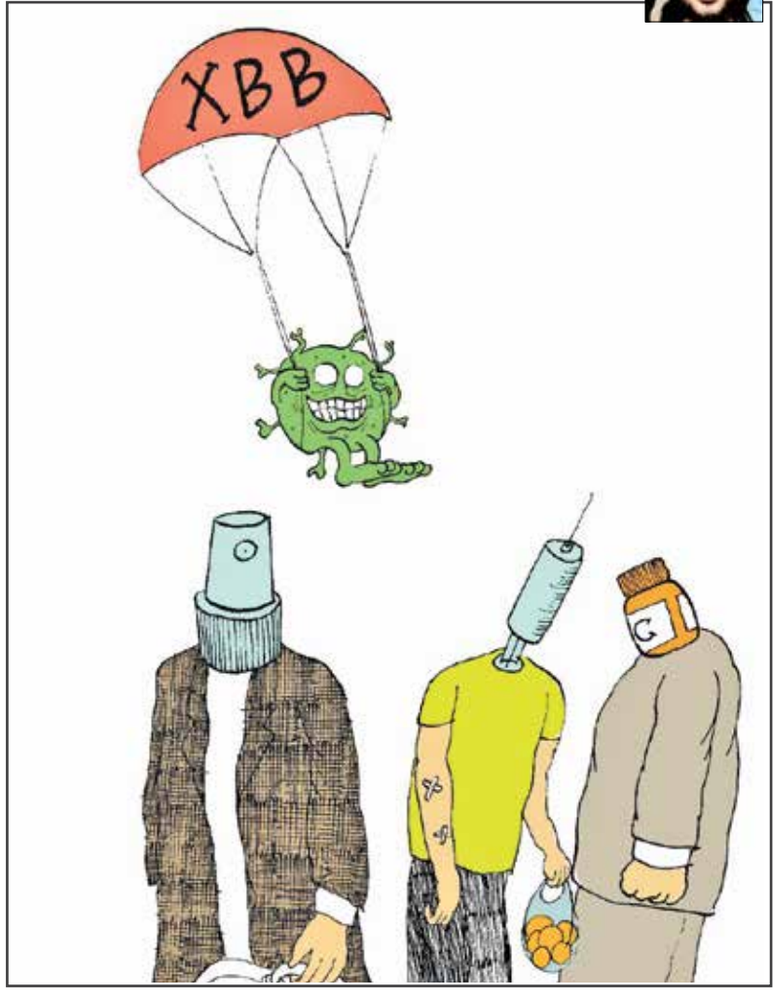

ماجراهای خانم آقای او

پرده‌برداری از دسایس ینگه دنیا

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

صلات ظهر، وسط جلز و ولز بادمجان سرخ‌کردن روی اجاق، چشم‌مان افتاد به تلویزیون. مستند خارجکی، ینگه دنیا را نشان می‌داد؛ آن سر دنیا شهری است دیترویت نام، پیشتر، در و دیوار خانه‌هایشان را با چوب و الوار می‌ساختند.
عمری گذشته، خانه‌ها کهنه شدند، زهوارشان در رفته است.
بساز بندازهای رند پدرسوخته افتاده‌اند به جان شهر، خانه‌ها را می‌کوبند، عوضش برج و باروی دیلاق می‌سازند.
یک جوانک یک لا قبای عزب‌اوغلی پیدا شده، یک‌گوشه کار را دست گرفته، چوب‌های سالم را سوا می‌کند می‌برد زیر زمین خانه‌اش، مزقون می‌سازد!
پسین مستند، با خودمان گفتیم همچین بیراه نمی‌رودها، خدا را خوش نمی‌آید دار و درخت تلف کنند آلت دست مزقونچی بسازند، این چوب‌ها هم مزقون نشوند، هیزم می‌شوند می‌سوزند.
تصور کردیم لابه‌لای نغمه و نشید مزقونچی، صدای هق‌هق زنی استماع می‌شود که عهد و موسمی الوار مزقون، چاردیواری منزلشان بوده؛ شوهرش کانهو فیلم خارجکی، چمدان بسته به ترک عیال و اولاد، بی‌غیرت! زن چمدان شوهرش را چسبیده که: «بیبی دونت گو پلیز، وی لاو یو» لکن مردک آسمان‌جل که حکما تنبونش دوتا شده، به خرجش نمی‌رود... اصلاً گور بابایش که رفت!
یا وسط رنگ و رِنگ مطرب، صدای قهقهه دخترکی بیاید از لابه‌لای الوار؛ نقل هفتاد سال پیش است، تازه عروسی جهاز می‌چیند با شوهرش، از نفس می‌افتند، وسط اثاث نچیده شلخته پلخته ولو می‌شوند گلویی تازه کنند... این خارجکی‌ها سوسولند، لته و کاپوچینوی استارباکس کوفت می‌کنند! سرشان نمی‌شود آدمیزاد خسته‌اش که باشد باید چای را، آن هم داغ‌داغ هورت بکشد...
الحق مداقه و تورق تاریخ و تذکره و کتب، مؤید فرمایشات ماست که مردم یوروپ و امریخ به حد و مقدار ادعایی که با سینماتوغراف ثبت کرده به مردم ربع مسکون عرضه داشته‌اند، فرهنگ و کمالات نداشته، هشت تاریخ تمدنشان گرونه است. فی‌المثل در فیلم‌های امریخ رؤیت می‌کنیم اهالی ایالات وسترن‌نشین، آفتاب-سوخته و لیل‌المنظر با البسه خاک گرفته به منزل مراجعه کرده پای میز جلوس می‌کنند به جهت تناول طعام؛ میزتر و تمیز و منسوج کتان-بافت چیده از هر قسم مأکولات مطبوع و خوش منظره، خورش و خوراک ساخته آدم هوس می‌کند دست بیندازد حاق تلویزیون، ناخونک بزند لاکن امروز روز، جز به فست فود و مک دونالد و کنتاکی ارتزاق نکرده، قوت غالبشان از همین قسم آت و آشغال‌هاست. خودمان تشریف‌فرما شدیم یکی از رستوران‌های خارجکی، به چشم رؤیت کردیم با چه دبدبه کبکبه و قر و قمیش و اسباب خوش منظره و اداهای اغرب و اعجب، روایح اشتهابرانگیز راه می‌اندازند آدم خیال می‌کند چه ضیافتی در انتظار است لاکن عوض نیم مثقال اطعمه نامعلوم به قد و قواره دو لقمه با دورچین علوفه دام و سس و چاشنی، پول خون پدرشان گرفته آدم را به غلط کردن می‌اندازند. در مملکت خودمان تاریخ اطعمه گواه است اطعمه و اشربه و مأکولات چه به قاعده و ذوق تغار می‌شوند. پروگرم دارند دام از کدام مرتع سوا شود، گوشت با چه قسم رستنی و سبزیجات معطر شود، برنج از کدام شالیزار بیاید، با کدام نمک خیس بخورد، روغن از دنبه کدام چارپا باشد، حبوبات چند صباح سد نفخ شود، ادویه به قاعده تفت بخورد... القصه در الطعمه خودمان معجزه ایست که این خارجکی‌ها به ضرب و زور تاریخ‌سازی به رقابتش می‌آیند. رنجه خورشگری کم از کیمیاگری ندارد. اهالی امریخ و یوروپ جز در مأکولات، در صناعت عطرسازی هم ادعایشان می‌شود. همین مملکت فرانس، عطر می‌سازد هوش از سر آدم می‌رود، می‌فرستند دیگر ممالک، به قیمت‌های گزاف. حمل بر شوآف نباشد، پیرارسال تولدمان آقای اویکی از همین عطرهای مملکت فرانس ابتیاع کرد جهت هدیه، بغایت گرانبها و مطبوع طبع و خوش رایحه؛ دلمان نمی‌آید استعمال کنیم، خوف داریم تمام شود. گذاشتیم جهت خوش منظرگی سر طاقچه مهمان می‌آید ببیند. پی‌جو شدیم ملتفمان شد اهالی ینگه دنیا تا همین چندسال پیش مستراح سرشان نمی‌شد. ماهی سالی گذرشان به رود و دریا می‌افتاد استحمام می‌کردند. هنوز که هنوز مستراحشان شلنگ و آب کر ندارد. آدم دلش بهم می‌خورد. به همین جهات عوض بنای مستراح و حمام آمدند عطر ساختند بوی کثافات به ترفند عطر مستتر کنند.
القصه ملتفت شدیم قر و قمیش و رنگ و ریای این خارجی جماعت به جهت تطهیر تاریخ قوس قزح و مضمحلشان است، به ضرب و زور هالیوودشان تاریخ دست‌ساز به خوردمان می‌دهند خیال برمان می‌دارد چه فرهنگ و تمدنی پسله اعمال و افعالشان دارند. پناه بر خدا از فریب مستغربین.

چرخ‌های توزیع بازار کتاب را روان‌تر کنیم

کلمه

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد

صنعت نشر کتاب در ایران که عمر بیش از یکصد سال دارد، دستاوردهای زیادی در این مدت داشته و دارد، اما واقعیت امر آن است که اجزای مختلف این صنعت در ایران همپای هم رشد نکرده و در برخی قسمت‌ها هنوز ناهماهنگی‌های زیادی به چشم می‌خورد که برطرف کردن همه این نواقص به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارد. از جمله در بخش توزیع کتاب که هنوز با موانع جدی زیادی مواجه است و در شرایط خاص، مانند تمرکز این بازار بر فروش آنلاین، مسأله توزیع کتاب برای خریداران غیرحضوری را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.
واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد بازار کتاب ایران خود را برای شرایط متفاوت آماده نکرده و در مواقع خاص، مانند همین فروش غیرحضوری کتاب با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود. در این خصوص، یکی از مشکلات مطرح در روزهای اخیر، آشکار شدن برخی محدودیت‌ها در چرخه توزیع کتاب در وضعیت‌های تازه است.
به عنوان مثال، با راه‌اندازی «سامانه فروش کتاب» که از چندی پیش فعالیت خود را شروع کرده و قرار است پل ارتباطی بین کتابفروشان و خریداران کتاب در سراسر کشور باشد، به دلیل فراهم نبودن برخی زیرساخت‌ها و حتی نبود فرهنگ‌سازی لازم برای حضور مؤثر تقریباً همه کتابفروشان و خریداران کتاب در این نوع سامانه‌های غیرحضوری، هنوز آن طور که باید و شاید، فعالیت این سامانه فراگیر و همگانی نشده و تنها گروهی از کتابفروشان و همچنین تعدادی از خریداران کتاب از آن استقبال کرده‌اند.
این در حالی است که تاثیرگذاری نهایی این اقدام به حضور حداکثری کتابفروشان و خریداران کتاب بستگی دارد که این سامانه را فعال‌تر و پررونق کنند. با اطلاع‌رسانی نسبتاً گسترده درباره این سامانه، گروهی از خریداران غیرحضوری کتاب به سمت سامانه رفته و با چند برابر شدن تقاضاها، مسأله ارسال کتاب برای خریداران غیرحضوری به یک مسأله تبدیل شده و برخی از ناشران به تأخیر و بدقولی در ارسال به‌موقع کتاب‌های خریداری شده متهم شدند. در چنین شرایط متفاوت و نامتعارفی نمی‌توان کسی را مقصر دانست، چرا که سلسله عواملی دست به دست هم داده‌اند تا مشکلی به نام «تأخیر در ارسال کتاب‌های خریداری شده توسط مشتریان غیرحضوری» خودی نشان دهد و بسیاری از ناشران را با مسأله و مشکل تازه‌ای که پیش از این چندان موضوعیت نداشت و مطرح نبود در صدر توجهات قرار دهد. نزدیک‌ترین گزینه برای حل این مسأله، تقویت ناوگان ویژه ارسال کتاب در اداره پست است که گویا با توجه به شرایط تورمی که بر اقتصاد و جامعه حاکم است، با قراردادهای قبلی امکان خدمات‌رسانی گسترده در این زمینه را با محدودیت مواجه می‌کند.
صنف ناشران هم از قبل ناوگان ویژه‌ای برای این منظور تدارک ندیده و عملاً برای چنین روزهایی آمادگی لازم را ندارد. بنابراین، راه میانبر همان تعامل کوتاه مدت بین نهادها و سازمان‌های مربوطه است تا فعلاً به اصطلاح باری بر زمین نماند و کتاب‌های خریداری شده توسط مشتریان غیرحضوری به دست‌شان برسد و در ادامه برای تداوم چنین وضعیتی فکر اساسی بشود؛ از جمله، زیرساخت‌های لازم برای فعالیت گسترده ناشران در زمینه فروش آنلاین محصولات‌شان در اولین فرصت فراهم شود و با تقویت این زیرساخت‌ها در بلندمدت، بشود پاسخگوی خریداران غیرحضوری کتاب شد که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. وضعیت ایده‌آل در این زمینه در شرایطی به وجود می‌آید که تقریباً همه فعالان صنعت نشر و همچنین شرکت‌های خدماتی از جمله اداره پست و حتی شرکت‌های فعال در زمینه توزیع و ارسال کالا در سطح شهر و کشور با همدیگر تعامل و همکاری لازم را داشته باشند و با همکاری و مشارکت بالا، در گام اول رونقی به بازار کتاب در شرایط جدید بدهند و در گام‌های بعدی به رونق کسب و کار در حوزه حمل و نقل بویژه ارسال کتاب به اقصی نقاط کشور کمک کنند.
بی‌گمان تحقق چنین اهدافی به توسعه کتاب و کتابخوانی و افزایش سرانه مطالعه در جامعه کمک شایانی می‌کند و می‌توان به نتایج فرهنگی مثبت آن در کل جامعه بیش از پیش امیدوار بود.

روایت‌هایی پرافتخار از زنان ملاردی در دفاع مقدس

پیشنهاد

طی سال‌های اخیر توجه برخی اهالی کتاب و نویسندگان به انعکاس واقعیت‌هایی درباره پشتیبانی دفاع مقدس جلب شده و بر این اساس دیگر همه تألیفات این حوزه به صحنه پیکار رزمندگان کشورمان با نیروهای بعثی محدود نمی‌شود. «ما هم جنگیدیم» یکی از مصادیق این تغییر است، کتابی که به قلم نرجس توکلی روانه بازار نشرمان شده است.
«ماهم جنگیدیم» روایتی از فداکاری‌های زنان ملاردی طی هشت سال دفاع مقدس است؛ زنانی که شاید در خط مقدم حضور نداشتند اما آنان هم برای دفاع از مرز و بوم‌شان هر آنچه را در توان داشتند، انجام دادند. ناشر کتاب در همان صفحات آغازین «ما هم جنگیدیم»، درباره یکی از مهم‌ترین دلایل انتشار چنین آثاری نوشته: «تاریخ نگاری انقلاب اسلامی عمیقاً به روایت زنان این انقلاب و طبعاً به خود انقلاب بدهکار است. زنان شهید انقلاب و دفاع مقدس، زنان مبارز پیش از انقلاب، همسران مبارزان انقلاب، همسران رزمندگان و شهدا و آزادگان و جانبازان، جهادگران و ... هنوز به راستی روایت نشده‌اند؛ زنانی که محور خانواده بوده‌اند و حضور آنها در عرصه‌های گوناگون مساوی با همراهی و حضور اعضای خانواده در انقلاب بوده است.»

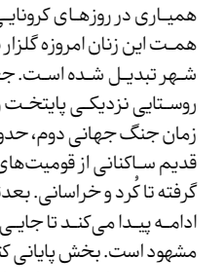

همان‌طور که در مقدمه کتاب هم عنوان شده روایت‌های پیش‌رو در این نوشته خاطرات واقعی زنانی است که با مدیریت زنی به اسم شمسی، اتفاق زیبایی را در جنگ تحمیلی رقم زدند؛ اتفاقی که نه می‌شود آن را با هزینه‌های کلان دولتی به‌دست آورد و نه با زور و اجبار. شمسی خانم از سال‌های جوانی و پیش از انقلاب در خانه‌اش کلاس قرآن برای زنان و کودکان روستا برگزار می‌کرد؛ سخنران‌های سیاسی را به جلسات خانه‌اش دعوت می‌کرد و همین شد که ساواک او و فعالیت‌هایش را تحت نظر گرفت. با شروع انقلاب، با همان حلقه منسجم شرکت کنندگان کلاس قرآن، اولین راهپیمایی ملارد را شکل داد و در دوران جنگ هم با مدیریت او، روستای زادگاهش به یکی از مراکز مهم پشتیبانی جنگ تبدیل شد. کامیون‌کامیون نان و مربا و ترشی و خاکشیر و ماست بود که از ملارد راهی جبهه می‌شد. خانه و زندگی‌شان هم شده بود وقف این کار. مردم می‌گفتند فرش خانه‌شان همیشه آردی بود و ... نکته جالب توجه این است که ارزش حرکت جهادی و خودجوش زنان جهادگر ملارد آنجا بیشتر می‌شود که قدمتی چهل ساله پیدا می‌کند؛ یعنی کمک‌رسانی و کار جهادی این زنان و نسل‌های بعدترشان به زمانه جنگ محدود نمی‌شود و در قالب فعالیت فرهنگی در گلزار شهدا، تدارک اردوهای جهادی به اطراف ملارد، کمک به زلزله‌زدگان و سیلزدگان کرمانشاه، همیاری در روزهای کرونایی و ... ادامه پیدا می‌کند؛ به طوری که با همت این زنان امروزه گلزار شهدای ملارد، به پویاترین مرکز مذهبی شهر تبدیل شده است. جغرافیای این کتاب ملارد قدیم است، روستایی نزدیکی پایتخت و در پنجاه کیلومتری آن. روستایی که در زمان جنگ جهانی دوم، حدود پانصد نفر جمعیت داشته است. ملارد قدیم ساکنانی از قومیت‌های مختلف داشته، از ترک همدان و تبریز گرفته تا کُرد و خراسانی. بعدتر با توسعه‌اش به شهر، موج مهاجرت‌ها ادامه پیدا می‌کند تا جایی که امروز تنوع قومیتی به خوبی در آن مشهود است. بخش پایانی کتاب با تصاویر و توضیحاتی از فعالیت‌ها و شخصیت‌هایی که درباره‌شان در «ماهم جنگیدیم» می‌خوانید همراه شده است. گفتنی است که این کتاب در مجموعه تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مجموعه زنان انقلاب انتشارات راه‌یار قرار می‌گیرد به پژوهش و مصاحبه محمد مهدی رحیمی و با قلم نرجس توکلی نوشته شده و با نگاهی ویژه درباره فعالیت‌های زنان کشورمان در پشتیبانی رزمندگان از خط مقدم در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

ماهم جنگیدیم / نرجس توکلی / انتشارات راه یار

فرصت‌های فناوری برای جهان اطلاعات

خواندن

علی جلالوند
پژوهشگر

کتابخانه‌ها- تمام اشکال آن- با آینده‌ای نامعلوم دست به گریبان‌اند. ادامه مشکلات اقتصادی در جهان و رقابت روزافزون میان دیگر خدمات و شیوه‌های جایگزین تأمین آن بدین معناست که کتابخانه‌ها در آینده باید برای منابع بجنگند، ازجمله توسعه رویکردهای استراتژیک و مشارکتی. رکود اقتصاد جهانی تاکنون بر مخارج کتابخانه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته تأثیر منفی گذاشته است و شواهد و قرائن حاکی از آن است که این وضعیت تا مدتی ادامه خواهد داشت. البته هنوز مشخص نیست که رکود جهانی اقتصاد چه اثری بر خدمات کتابخانه‌ها خواهد گذاشت. با این همه، می‌توان به‌راحتی پیش‌بینی کرد که این خدمات در آینده به شکلی متفاوت از امروز ارائه خواهند شد. امروزه اینترنت شیوه زندگی مردم را دچار دگرگونی‌های بسیاری کرده بنابراین بدیهی است که چنین تطوری در عرصه کتاب و کتابداری نیز رخ دهد. توسعه کتابخانه دیجیتال و جهانی‌سازی و (در عین حال) فردی‌سازی دستیابی به اطلاعات تاکنون تقاضا و همچنین اشکال بهره‌گیری از مجموعه‌های کتابخانه‌ها و خدمات‌شان را دستخوش تغییر کرده است، اما فناوری در نهایت حرف آخر را خواهد زد، چه خوش‌مان بیاید و چه نه. در عصر فعلی، توقع کاربران کتابخانه‌ها بیش از پیش است و تنوع بیشتری دارد و خواست‌ها و نیازهای‌شان پرمایه‌تر است. از اینها گذشته، تغییرات گوناگون در عرصه اجتماع و سیاستگذاری نیز بر دید مردم به کتابخانه‌ها تأثیر می‌گذارد.
فناوری اطلاعات و ارتباطات شیوه تولید، انباشت، دسترسی و بهره‌برداری از اطلاعات را سراسر دگرگون کرده است. امروزه بسیاری از مردم نمی‌توانند جهان بدون اینترنت را متصور شوند و البته تغییرات بسیار بزرگ‌تری نیز در راه است. پتانسیل شایان منابع اطلاعاتی دیجیتالی شده بسیار مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از پروژه‌های بزرگ امروزه از این منابع بهره می‌برند. در نتیجه، کتابخانه‌ها همگام با کاربرد فناوری تغییر کرده‌اند. با وجود این، کتابخانه‌ها اگر می‌خواهند نیرویی حیاتی در عرصه فرهنگ باشند و همچون گذشته تأثیرگذاری خود را حفظ کنند باید بیش از پیش خود را در نسبت با شرایط تغییر دهند. برخی فناوری‌ها، مانند تلفن‌های همراه و شکل‌های استفاده از اینترنت (که یکی از شکل‌های بسیار پراستفاده آن در جهان امروزه شبکه‌های اجتماعی است) می‌توانند در رابطه با دسترسی به اطلاعات یا پشتیبانی‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی نقش بسزایی ایفا کنند، اما هنوز تا آن روز راه درازی پیش روست.
جمع‌های دانشگاهی محیطی هستند بی‌نظیر برای انتقال فناوری و شکل‌های حمایت از تحقیقات. یافته‌ها و دستاوردهای این حوزه‌ها نیز در قالب اشکال گوناگون نشر می‌یابد و همین‌جاست که کارکرد کتابخانه‌ها در رابطه با عصر فناوری معنای مهم‌تری می‌یابد. در زمانه حاضر، رویکردی واضح وجود دارد که نشر الکترونیکی راهی است به جلو، هرچند که بر سر شکل‌های دسترسی به آن هنوز اجماع وجود ندارد. دلیل این امر تا حدی این است که در مورد اقتصاد آینده و همچنین شکل‌های مالکیت معنوی هنوز ابهامات بسیاری وجود دارد. این خود گواهی است بر اینکه بحران اقتصادی امروزی تغییرات گسترده‌ای را سبب خواهد شد، آن هم به این دلیل ساده که شیوه‌های فعلی چاپ و نشر دیگر به‌صرفه نیستند. از این گذشته، رابطه میان کتابخانه‌های دیجیتال و تولید دانش و بهره‌برداری از آن در جوامع متفاوت هنوز مبهم بوده و برای روشن کردن آن بسیاری اقدامات باید انجام شود. کیفیت بالای محصولات این مؤسسات و همچنین ایجاد زیرساخت‌های فراگیر از دیگر نکاتی است که باید بسیار روی آن کار کرد.
اطلاعات همواره کالایی بوده اساسی و کتابخانه‌ها دیرزمانی است که آن را در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهند. اصل دسترسی رایگان به منابع کتابخانه‌ها یکی از اصول مهم و بنیادین در جوامع امروز است. در دنیای دیجیتال، دسترسی به اطلاعات از هر زمان دیگری آسان‌تر است. پاکاش دوریزوامی بر این نکته تأکید می‌کند که امروزه، در عصر دیجیتال و اینترنت، کتابخانه‌های عمومی اهمیت بسزایی دارند. به عقیده او کتابخانه مکانی است که مردم در آن گرد هم می‌آیند و با یکدیگر معاشرت می‌کنند، از نمایشگاه‌های گوناگون بهره می‌برند و به‌طور مساوی و عادلانه از اطلاعات و منابع موجود در کتابخانه استفاده می‌کنند. کتابخانه‌های دانشگاه‌ها نیز درهای خود را به روی همگان گشوده‌اند و این امر شامل منابع الکترونیک آنها نیز می‌شود. یانوش ویسنفسکی استدلال می‌کند که جدای از بایدها و نبایدهای فناوری، جهان دیجیتال شکافی میان جهان فیزیکی و آنلاین ایجاد کرده است و معتقد است کتابخانه‌های امروزی یکی از مکان‌هایی هستند که می‌توانند به‌خوبی این دو ساحت به‌ظاهر متفاوت را با یکدیگر پیوند دهند. امروزه تقریباً همگان در این نکته توافق دارند که کتابخانه‌ها طلایه‌دار دسترسی آزاد به اطلاعات هستند و باید در این مسیر قدم‌های جدی‌تری برداشت.

عکس نوشت

درآستانه سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی دیوارنگاره میدان ولیعصر با تلفیق تصویر حاج قاسم با مبارزانی چون بی‌بی مریم، میرزا کوچک‌خان، علیمردان‌خان، رئیسعلی دلواری، فرنگیس، پیشمرگان کرد، اقوام غیور بلوچ و شهدای دفاع مقدس توسط حسن روح‌الامین نقاشی و رونمایی شد.

فضای مجازی

یادی از ناصرعبداللهی در سالروز وداعش با زندگی و کسب افتخاری بین‌المللی برای انیمیشن «لوپتو» از جمله مطالبی هستند که در مجازی امروز می‌خوانید.

■ **یاد**

دهم دی‌ماه به سالروز وداع دوستداران موسیقی با یکی از چهره‌های سرشناس این عرصه هنر کشورمان گره خورده است؛ ناصر عبداللهی، خواننده پاپ بندرعباسی که بیش از همه به دلیل انتشار ترانه «ناصریا» به محبوبیت دست یافت. علاقه‌مندی‌اش به موسیقی از سال‌های نوجوانی و سیزده سالگی آغاز شد و خیلی زود کار خود را در صداوسیما و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان هرمزگان آغاز کرد. بیشتر اشعار ترانه‌های آغازین او از سروده‌های محمدعلی بهمنی بود. ترانه‌های مورد انتخاب وی در آلبوم‌هایش بیشتر دارای مفاهیم اجتماعی و حماسی (مانند ترانه‌های «یادم باشد»، «کودکان خیابانی»، «سربلند» و «شیوه ما»)، مذهبی (مانند ترانه‌های «مهر علی و زهرا»، «احمد ثانی»، «یا فاطمه» و «مهر دلبر») و عاشقانه (مانند ترانه‌های «تو ای عشق»، «ماه من»، «بهت نگفتم» و «راز») بودند. او از سوم آذر سال ۱۳۸۵ به کما رفت و سرانجام در ۲۹ همان ماه و در حالی که ۳۵ سال از زندگی‌اش می‌گذشت، در بیمارستان هاشمی‌نژاد تهران با زندگی وداع گفت.

■ **جایزه‌هندی‌ها به «لوپتو»**

«لوپتو» به کارگردانی عباس عسگری موفق به دریافت جایزه بهترین انیمیشن از جشنواره احمدآباد هند شد. چهارمین دوره این رویداد بین‌المللی که از ۲۴ تا ۲۹ دسامبر برابر با ۳ تا ۸ دی در کشور هند برگزار شد، با هدف جذب مخاطب بیشتر برای سینمای کودک در سراسر جهان شکل گرفته است. «لوپتو» که هم‌اکنون در سینماهای سراسر کشور در حال اکران است، با تکنیک سه بعدی و برگرفته از قصه و فضایی کاملاً ایرانی و به همت هنرمندان جوان کرمانی تولید شده است.
فروش این انیمیشن در گیشه سینماهای ایران به مرز ۱۱ میلیارد تومان رسیده است. انیمیشن «لوپتو» پیش از این نیز در جشنواره یونیورسال کشور ترکیه، سیه‌را کشور بولیوی و کیدز کشور هند نیز حضور پیدا کرده بود. پخش بین‌الملل این انیمیشن سینمایی برعهده مرکز بین‌الملل سوره است.

■ **درگذشت کارگردان مشهور و پرحاشیه!**

«روجرو دئوداتو» کارگردان فیلم ترسناک «کانیبال هولوکاست» که آن‌قدر جنجالی شد که خیلی از کشورها ممنوعش کردند، در ۸۳ سالگی از دنیا رفت. از او به‌عنوان هنرمندی یاد می‌شود که الهام‌بخش تارانتینو بوده است. این فیلم را یکی از بدترین فیلم‌های تمام دوران می‌دانند، ساخته‌ای که هنوز هم به مواردی از جمله ترویج خشونت متهم است. البته این فقط یکی از مواردی است که «روجرو دئوداتو» را بابتش سرزنش می‌کردند، او به قتل چندین بازیگر در برابر دوربین و برای نمایش وحشی‌گری واقع‌گرایانه متهم شد که از دست همه آن اتهامات رهایی یافت. او در طول دوران کاری‌اش فیلم‌های دیگری هم ساخت اما بابت «کانیبال هولوکاست» در فرانسه لقب موسیو آدمخوار به وی دادند. «دئوداتو» کارش را با چهره‌هایی همچون «روبرتو روسلینی» و «سرجو کوربوچی» شروع کرد و چند فیلم موزیکال کمدی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ساخت و با فیلم جنایی اسپاگتی «مثل یک پلیس زندگی کن، مثل یک مرد بمیر» در سال ۱۹۷۶ سروصدا به پا کرد. این فیلم به دلیل صحنه‌های خشونت‌بار با سانسور روبه‌رو شد. وی «آخرین جهان آدمخوار» را سال ۱۹۷۷ ساخت که نمایش آن در ۵۰ کشور ممنوع شد، هر چند این کارگردان سینما با وجود فعالیت‌هایش کارنامه خوبی را به جهت مباحث اخلاقی ثبت نکرد اما الهام‌بخش فیلمسازانی چون کوئنتین تارانتینو، الی راث و اولیور استون شد.

■ **نگاهی به انیمیشن‌های کریسمسی**

آغاز سال نوی مسیحیان جهان، اغلب با پخش انیمیشن‌های متعددی با موضوع کریسمس همراه می‌شود. «کلاوس» یکی از این انیمیشن‌ها در ژانر خانوادگی، کمدی و ماجراجویی است. این انیمیشن، داستان یک پستچی را روایت می‌کند که در هنگام انجام مأموریت خود در یک شهر یخ‌زده واقع در شمال متوجه می‌شود که بابانوئل خود را مخفی کرده است و... انیمیشن گرینچ هم در ژانر فانتزی، خانوادگی، کمدی و موزیکال ساخته شده و درباره یک موجود سبزرنگ و عبوس است که از کریسمس نفرت دارد، اما یکی از مشهورترین این ساخته‌ها بویژه برای ما ایرانیان، «سرود کریسمس» است که بارها شاهد پخش آن از تلویزیون خودمان بوده‌ایم. این انیمیشن در ژانر درام، فانتزی و ماجراجویی است. داستان حول محور شخصیت اسکروج، مردی خسیس و بداخلاق است که در آستانه کریسمس با تنگ‌نظری خود دل دیگران را می‌شکند. اگر علاقه‌مند به اطلاع از دیگر انیمیشن‌هایی که با این موضوع ساخته شده‌اند هستید، سری به گزارش ایسنا بزنید.